

## Prediction of Creativity based on Students' Brain Executive Function

**Ghafour Ahrari<sup>1</sup>, Rahim Badri Gargari<sup>2</sup>, Serwah Abdollahi<sup>3</sup>, Parwaneh Porkar<sup>4</sup>, Hiwa Yousefi<sup>5</sup>**

1- PhD. Candidate of Educational Psychology Educational office, Tabriz University, Tabriz, Iran. ORCID: 0000-0001-7309-3429 E-mail: aweendar@yahoo.com

2- Faculty member of Tabriz University Tabriz university, Tabriz University, Tabriz, Iran. ORCID: 0000-0001-7196-6601

3- Educational office Educational office, Educational office, Tabriz, Iran. ORCID: 0000-0001-7288-7198

4- Educational office Educational office, Educational office, Tabriz, Iran. ORCID: 0000-0002-9284-8556

5- Educational office Educational office, Educational office, Tabriz, Iran. ORCID:0000-0002-5050-6478

**Received:** 29/04/2018

**Accepted:** 12/09/2018

### Abstract

**Introduction:** Creativity as a prominent human characteristic and its relationship with different variables reflected in various studies, but not so much with BEF.

**Aim:** The purpose of this study was to check the relation between creativity and brain executive functions in a sample of Saghez's guidance school students, based on contradicting results.

**Method:** 318 guidance school students completed four questionnaires: Abedi's creativity test, Wechsler's intelligent subscale tests of reasoning and memory digit, and Andre Rey's organization test. Simple correlation and multiple regression tests were used to analyze the data.

**Results:** The findings of this study showed significant relationship between reasoning and creativity ( $r=0.149$ ) and could predict 2.43 of its variance. There was a positive relation between flexibility and reasoning ( $r=0.198$ ) and indirect memory digits ( $r=0.156$ ).

**Conclusion:** This study showed that brain executive functions, specifically reasoning can predict creativity. This would provide implications for fostering students' capabilities and the how of thises relations.

**Keywords:** Brain Executive Functions, Reasoning, Working Memory, Organizing, Creativity.

---

**How to cite this article :** Ahrari Gh, Badri Gargari R, Abdollahi S, Porkar P, Yousefi H. Prediction of Creativity based on Students' Brain Executive Function. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2018; 5 (3): 66-80 .URL :<http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-374-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

## پیش‌بینی خلاقیت دانش آموزان بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز

غفور احراری<sup>۱</sup>، رحیم بدری گرگری<sup>۲</sup>، سروه عبداللهی<sup>۳</sup>، پروانه پرکار<sup>۴</sup>، هیوا یوسفی<sup>۵</sup>

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی آموزش و پرورش، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: aweendar@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه تبریز، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. دبیر آموزش و پرورش آموزش و پرورش، آموزش و پرورش، تبریز، ایران.

۴. دبیر آموزش و پرورش آموزش و پرورش، دبیر آموزش و پرورش، تبریز، ایران.

۵. دبیر آموزش و پرورش آموزش و پرورش، آموزش و پرورش، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

### چکیده:

**مقدمه:** خلاقیت به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی انسانی و ارتباط آن با متغیرهای مختلف در مطالعات متفاوت بازتاب یافته است؛ اما در مورد عملکردهای اجرایی کم‌تر نمود یافته است.

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی مغز (استدلال و حافظه کاری و سازمان‌دهی) با توجه آراء و نتایج متناقض قبلی، در نمونه‌ای از دانش آموزان مقطع راهنمایی (متوسطه اول) شهرستان سقز بود.

**روش:** ۳۱۸ نفر از دانش آموزان مقیاس‌های خلاقیت عابدی و عملکردهای اجرایی (استدلال و حافظه کاری و کسلر و سازمان‌دهی آندره ری) را تکمیل کردند. داده‌ها با همبستگی ساده و رگرسیون چندگانه تحلیل گردید.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از همبستگی و رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌ی استدلال رابطه‌ی مثبتی با خلاقیت کل داشته ( $r = 0/149$ ) و می‌تواند ۲/۴۳ درصد از واریانس آن را پیش‌بینی نماید. همچنین انعطاف‌پذیری رابطه‌ی معناداری با استدلال ( $r = 0/198$ ) و حافظه ارقام معکوس ( $r = 0/156$ ) دارد.

**نتیجه‌گیری:** مؤلفه‌ی استدلال می‌تواند نقش معنی‌داری در پیش‌بینی خلاقیت داشته باشد. این امر می‌تواند تلویحی برای آموزش این مهارت‌ها در دانش آموزان و چگونگی رابطه بین این متغیرها باشد.

**واژه‌های کلیدی:** خلاقیت، عملکردهای اجرایی مغز، استدلال، حافظه کاری، سازمان‌دهی

## مقدمه

همراهی و همگامی با تغییرات شتابان در عرصه‌های مختلف، مستلزم توانایی تغییر و انعطاف‌پذیری فکری و بررسی راه‌حل‌های دیگر، دوری از درجا زدن و درجا ماندن و اجتناب از روش‌های ثابت و راه‌حل‌های منسوخ و بی‌ثمر در برخورد با مسائل و مشکلات نوین یا داشتن مهارت خلاقیت است. مطالعه جهانی سی‌ای او<sup>۱</sup> خلاقیت را مهم‌ترین شایستگی در دنیای کنونی می‌داند (آی بی ام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) و استارکو<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) معتقد است که نقش خلاقیت در لذت بخشی و معنی دادن به زندگی بشر است. همچنین فرایندهایی چون هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی، سازمان‌دهی، انعطاف‌پذیری، نگهداری و دست‌کاری اطلاعات در حافظه‌ی کاری و خود نظارتی در موفقیت دانش آموزان تأثیر دارد (ملترز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). با این حال ارتباط بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی چندان روشن نشده است.

از دیدگاه گیلفورد<sup>۵</sup> (۱۹۶۸)، به نقل از دیلون<sup>۶</sup>، (۲۰۰۹) خلاقیت همان واگرایی فکری<sup>۷</sup>، یا به عبارتی تولید ایده‌های متعدد و متنوع است که دارای ابعاد سیالی<sup>۸</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>۹</sup> و نوآوری<sup>۱۰</sup> (ابتکار) است. تورنس<sup>۱۱</sup> نیز مؤلفه بسط<sup>۱۲</sup> را به آن‌ها افزوده است. خلاقیت دارای بعد فراشناختی است و با کارکردهای شناختی و فرایندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تحلیل و پردازش اطلاعات در ارتباط است (گیلفورد، ۱۹۵۰، به نقل از پن و یو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶). شعبانی (۱۳۸۹) کارکردهای

شناختی تفکر را یادسپاری و یادآوری، استدلال، پردازش اطلاعات، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری، حل مسئله و مفهوم آفرینی می‌داند. عصب روان‌شناسان ترکیب خاصی از این مهارت‌ها را عملکردهای اجرایی شناختی<sup>۱۴</sup> می‌دانند. در بین این مهارت‌های خاص، می‌توان به مهارت‌های انعطاف‌پذیری شناختی (تغییر و یا تداوم در موقعیت)، شکل‌گیری راهبرد، توجه، حافظه کاری، نظارت بر پاسخ و بازداری اشاره کرد (راس<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۲). این فرایندها، عملکردهای شناختی را هماهنگ کرده، منابع توجه را تخصیص داده، اهداف و اولویت‌ها را مدیریت نموده و دستگاه شناختی را به صورت یکپارچه مدیریت می‌نماید (کوپر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۲، به نقل از گروگل<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۵).

اگرچه بلیک<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۱) بر این باور است که برای عملکردهای اجرایی مغز<sup>۱۹</sup> هنوز تعریف رسمی و اساسی صورت نگرفته است و اصطلاحی کلی برای توانایی‌های شناختی سطح بالا است (بارون<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۴، به نقل از لیزمن<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۹)، از آن به عنوان توانایی اتخاذ و ادامه مهارت‌های مناسب حل مسئله جهت دستیابی به هدف یاد شده که دارای زیر مجموعه‌هایی چون قضاوت، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و رفتار اجتماعی، کنترل و تنظیم شناخت است. کاربرد اصطلاح رهبر ارکستر<sup>۲۲</sup> یا از تیم رهبری و یا تیم مربی‌گری فوتبال ذهنی (مک کلاوسکی، پرکینز و ون دیونر<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۹) برای مدیر اجرایی مغز نشانه اهمیت این کارکردها

<sup>1</sup> Global Ceo Study

<sup>2</sup> IBM

<sup>3</sup> Starko

<sup>4</sup> Meltzer

<sup>5</sup> Guilford

<sup>6</sup> Dillon

<sup>7</sup> Divergent Thinking

<sup>8</sup> Fluency

<sup>9</sup> Flexibility

<sup>10</sup> Originality

<sup>11</sup> Torrance

<sup>12</sup> Elaboration

<sup>13</sup> Pan & Yu

<sup>14</sup> Executive Cognitive Functions

<sup>15</sup> Ross

<sup>16</sup> Cooper

<sup>17</sup> Grugle

<sup>18</sup> Blake

<sup>19</sup> Brain Executive Functions

<sup>20</sup> Baron

<sup>21</sup> Latzman

<sup>22</sup> orchestra conductor

<sup>23</sup> McCloskey, Perkins & Van Divner

است. در جدول (۱) سیر تحول نظریه‌های مربوط به عملکردهای اجرایی و مؤلفه‌های آن بیان می‌گردد. رابطه خلاقیت با عملکردهای اجرایی (استدلال، حافظه کاری و سازمان دهی) با توجه به گستردگی عملکردهای اجرایی، در این پژوهش تنها به بررسی سه بخش از آن، یعنی؛ استدلال (راهبرد حل مسئله با یک نظریه کلی و آزمایش فرضیه ها)، حافظه کاری (ظرفیت نگهداری اطلاعات در ذهن با هدف تکمیل یک تکلیف) و سازمان دهی / برنامه ریزی (توانایی در مدیریت تکلیف، پیگیری اطلاعات و رسیدن به هدف) و ارتباط آن ها با خلاقیت و مولفه های چهارگانه ی آن اکتفا می شود.

عملکردهای اجرایی نقش مهمی در فعالیت هایی که ماهیتاً سیال و نیازمند حل مسئله جدید با حداقل ارتباط با یادگیری قبلی هستند، دارد (بوش و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از پوردی، ۲۰۱۱)، سولبرگ و ماتیر (۲۰۰۱)، به نقل از پوردی، ۲۰۱۱) تفکر سیال را نیز بخشی از عملکردهای اجرایی می دانند و دیلون (۲۰۰۹) خلاقیت را با توجه به تاثیری که بر بازداری، رفتار هدف مدار، حل مسئله و انعطاف پذیری ذهنی دارد، بخش مهمی از عملکرد اجرایی می داند. از نظر جنسن (۲۰۱۲) لب پیشانی با فعالیت های هدفمندی چون قضاوت، حل مسئله، برنامه ریزی و خلاقیت سروکار داشته و نقش مهمی در خلاقیت بازی می کند (دیتریچ، ۲۰۰۴).

جدول (۱) خلاصه ای از نظریه های مربوط به عملکردهای اجرایی مغز (برگرفته از پوردی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۷۹)

لوریا <sup>۲</sup> (۱۹۶۶)	استاس و بنسون <sup>۳</sup> (۱۹۸۶)	لزاکی <sup>۴</sup> (۱۹۹۵)	سولبرگ و ماتیر <sup>۵</sup> (۲۰۰۱)	کیل و کاستیک <sup>۶</sup> (۲۰۰۲)
پیش بینی	آغازگری	اراده (شامل خودآگاهی و خود نظارتی)	آغاز کردن و تحریک (شروع رفتار)	برنامه ریزی، طرح ریزی، استفاده از راهبرد، تبعیت از قاعده
برنامه ریزی	برنامه ریزی	برنامه ریزی	بازداری پاسخ (توقف رفتار)	تولید، سیالی، آغازگری
اجرا	نتیجه گیری	عمل هدفمند	مداومت در انجام تکلیف (تداوم رفتار)	تغییر و بازداری
نظارت بر خود	سازمان دهی	عملکرد موثر	سازمان دهی (سازمان دهی رفتار و افکار)	شکل گیری مفهوم و استدلال انتزاعی
	تنظیم		تفکر مولد (خلاقیت، سیالی، انعطاف پذیری شناختی) آگاهی (نظارت و تعدیل رفتار خود)	

<sup>11</sup> Purdy

<sup>2</sup> Luria

<sup>3</sup> Stuss & Benson

<sup>4</sup> Lezak

<sup>5</sup> Sohlberg & Mateer

<sup>6</sup> Keil & Kaszniak

می‌آورد که احتمال بازیابی بیشتر مفاهیم مرتبط و در نتیجه کیفیت بخشی ایده‌های خلاق را سبب می‌شود. با این حال دیدگاه‌های متناقضی برای این روابط وجود دارد (سوتارد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ فورلی و ممرت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵). اگر چه خلاقیت با عملکردهای اجرایی هماهنگی داشته (دایموند<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳) و تمامی عملکردهای اجرایی درگیر خلاقیت هستند و به ویژه بازداری هسته فرایند خلاق به شمار می‌رود (کارمادا و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷)، بررسی‌های تجربی نتایج متفاوتی از رابطه‌ی خلاقیت - و مؤلفه‌های آن - با عملکردهای اجرایی - و مؤلفه‌های آن - فراهم آورده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به عدم رابطه بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی (دیلون، ۲۰۰۹؛ لی و تریولت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴) حافظه‌ی کاری (فورلی و ممرت، ۲۰۱۵) تا رابطه‌ی مثبت خلاقیت با برنامه‌ریزی (دارینی، پژوهش و مشیری<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱)، بازداری (گروبورز، نکا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴)، بازداری شناختی (بندیک، فرانز، هین و نیوباوور<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲) و حافظه‌ی فعال (دیدرو و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۲، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴؛ سوتارد، ۲۰۱۴) و رابطه‌ی منفی با عملکردهای اجرایی (شارما و بابو<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۷)، بازداری تداخل (دورفمن، مارتیندیل، گاسیمو و وارتانیان<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴) و روابط متفاوت زیر مؤلفه‌های خلاقیت با سرعت پردازش اطلاعات (بهار و آذتورک<sup>۱۷</sup>، تفکر خلاق بر فرایند های استدلالی

تفکر خلاق بر فرایند های استدلالی پیچیده مثل مقایسه کردن، طبقه بندی کردن، تحلیل اشتباهات، استقراء قیاسی، حمایت سازنده، خلاصه کردن، تخیل، تصمیم‌گیری و بررسی، پژوهش، حل مسئله و اختراع تمرکز دارد (داونز و لومباردی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از مشایخ و برزیده، ۱۳۸۹). خسروانی (۲۰۰۵)، به نقل از ترابی و سیف، (۱۳۹۱) نیز بسط را توانایی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی در انجام امور مختلف می‌داند. داوسن و گوایر (۲۰۰۴)، به نقل از علی زاده، (۱۳۸۵) انعطاف پذیری را بازنگری در برنامه به هنگام برخورد با موانع، اطلاعات یا خطاهای جدید و نیز سازگاری با تغییر شرایط می‌داند. آردیلا و سورلوف<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، به نقل از نجاتی، (۱۳۹۲) دو نوع کارکرد شناختی برای مغز در نظر می‌گیرند؛ کارکردهای مبتنی بر قانون<sup>۳</sup> که تفکر و عملکرد فرد را تنظیم و کنترل می‌کند و تحت عنوان کارکردهای اجرایی شناخته می‌شود و دیگری کارکردهای غیر قانونمند<sup>۴</sup> مبتنی بر هیجانات، شناخت اجتماعی و عوامل تأثیرگذار موقعیتی است. نمی‌توان خلاقیت را به‌سادگی در زیر مجموعه اخیر قرار داد، چون از یک طرف نیازمند طرح و برنامه، توانایی شناختی و ساخت قبلی است و از طرف دیگر ماهیت ساختار شکنانه دارد. خلاقیت با حافظه نیز ارتباط می‌یابد، زیرا ایده‌های خلاق از تداعی موفقیت‌آمیز مفاهیم بی‌ارتباط قبلی که از حافظه اخذ می‌شود، سرچشمه می‌گیرد (کوئیستلر<sup>۵</sup>، ۱۹۶۴، به نقل از بندیک، جاوک، سومار، آرندهی و نیوباوور، ۲۰۱۴). زایش چنین پاسخ‌هایی نیازمند جستجو و انتخاب آن چه که از حافظه بازیابی شده در حافظه فعال است. گنجایش بیشتر حافظه فعال جستجوی راحت تری را در حافظه فراهم

<sup>6</sup> Southard

<sup>7</sup> Furley & Memmert

<sup>8</sup> Diamond

<sup>9</sup> Camarda et al.

<sup>10</sup> Lee & Therriault

<sup>11</sup> Darini, Pazhouhesh & Moshiri

<sup>12</sup> Groborz & Necka

<sup>13</sup> Benedek, Franz, Heene & Neubauer

<sup>14</sup> de Dreu et al.

<sup>15</sup> Sharma & Babu

<sup>16</sup> Dorfman, Martindale, Gassimova & Vartanian

<sup>17</sup> Bahar & Ozturk

<sup>1</sup> Downs & Lombardi

<sup>2</sup> Ardila & Surliff

<sup>3</sup> Rule Base Functions

<sup>4</sup> Non Rule Base Functions

<sup>5</sup> Koestler

بیشتر مفاهیم مرتبط و در نتیجه کیفیت بخشی ایده‌های خلاق را سبب می‌شود. با این حال دیدگاه‌های متناقضی برای این روابط وجود دارد (سوتارد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ فورلی و ممرت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵). اگر چه خلاقیت با عملکردهای اجرایی هماهنگی داشته (دایموند<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳) و تمامی عملکردهای اجرایی درگیر خلاقیت هستند و به ویژه بازداری هسته فرایند خلاق به شمار می‌رود (کارمادا و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷)، بررسی‌های تجربی نتایج متفاوتی از رابطه‌ی خلاقیت - و مؤلفه‌های آن - با عملکردهای اجرایی - و مؤلفه‌های آن - فراهم آورده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به عدم رابطه بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی (دیلون، ۲۰۰۹؛ لی و تریولت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴) حافظه‌ی کاری (فورلی و ممرت، ۲۰۱۵) تا رابطه‌ی مثبت خلاقیت با برنامه‌ریزی (دارینی، پژوهش و مشیری<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱)، بازداری (گروبورز، نکا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴)، بازداری شناختی (بندیک، فرانز، هین و نیوباوور<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲) و حافظه‌ی فعال (دیدرو و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۲، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴؛ سوتارد، ۲۰۱۴) و رابطه‌ی منفی با عملکردهای اجرایی (شارما و بابو<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۷)، بازداری تداخل (دورفمن، مارتیندیل، گاسیما و وارتانیان<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸، به نقل از بندیک و همکاران، ۲۰۱۴) و روابط متفاوت زیر مؤلفه‌های خلاقیت با سرعت پردازش اطلاعات (بهار و آذتورک<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۸) اشاره کرد. گیلهولی و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۷) نیز دریافتند افرادی که از نظر توانایی‌های

پیچیده مثل مقایسه کردن، طبقه بندی کردن، تحلیل اشتباهات، استقراء قیاسی، حمایت سازنده، خلاصه کردن، تخیل، تصمیم‌گیری و بررسی، پژوهش، حل مسئله و اختراع تمرکز دارد (داونز و لومباردی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از مشایخ و برزیده، ۱۳۸۹). خسروانی (۲۰۰۵)، به نقل از ترابی و سیف، (۱۳۹۱) نیز بسط را توانایی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی در انجام امور مختلف می‌داند. داوسن و گوایر (۲۰۰۴)، به نقل از علی زاده، (۱۳۸۵) انعطاف پذیری را بازنگری در برنامه به هنگام برخورد با موانع، اطلاعات یا خطاهای جدید و نیز سازگاری با تغییر شرایط می‌داند. آردیلا و سورلوف<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، به نقل از نجاتی، (۱۳۹۲) دو نوع کارکرد شناختی برای مغز در نظر می‌گیرند؛ کارکردهای مبتنی بر قانون<sup>۳</sup> که تفکر و عملکرد فرد را تنظیم و کنترل می‌کند و تحت عنوان کارکردهای اجرایی شناخته می‌شود و دیگری کارکردهای غیر قانونمند<sup>۴</sup> مبتنی بر هیجانات، شناخت اجتماعی و عوامل تأثیرگذار موقعیتی است. نمی‌توان خلاقیت را به‌سادگی در زیر مجموعه اخیر قرار داد، چون از یک طرف نیازمند طرح و برنامه، توانایی شناختی و ساخت قبلی است و از طرف دیگر ماهیت ساختار شکنانه دارد. خلاقیت با حافظه نیز ارتباط می‌یابد، زیرا ایده‌های خلاق از تداعی موفقیت‌آمیز مفاهیم بی‌ارتباط قبلی که از حافظه اخذ می‌شود، سرچشمه می‌گیرد (کوئیستلر<sup>۵</sup>، ۱۹۶۴، به نقل از بندیک، جاوک، سومار، آرنوسی و نیوباوور، ۲۰۱۴). زایش چنین پاسخ‌هایی نیازمند جستجو و انتخاب آن‌چه که از حافظه‌ی بازایی شده در حافظه‌ی فعال است. گنجایش بیشتر حافظه‌ی فعال جستجوی راحت‌تری را در حافظه‌ی فراهم می‌آورد که احتمال بازایی

<sup>6</sup> Southard

<sup>7</sup> Furley & Memmert

<sup>8</sup> Diamond

<sup>9</sup> Camarda et al.

<sup>10</sup> Lee & Therriault

<sup>11</sup> Darini, Pazhouhesh & Moshiri

<sup>12</sup> Groborz & Necka

<sup>13</sup> Benedek, Franz, Heene & Neubauer

<sup>14</sup> de Dreu et al.

<sup>15</sup> Sharma & Babu

<sup>16</sup> Dorfman, Martindale, Gassimova & Vartanian

<sup>17</sup> Bahar & Ozturk

<sup>18</sup> Gilhooly et al

<sup>1</sup> Downs & Lombardi

<sup>2</sup> Ardila & Surliff

<sup>3</sup> Rule Base Functions

<sup>4</sup> Non Rule Base Functions

<sup>5</sup> Koestler

شدند. پرسش‌نامه و مقیاس‌ها به کمک همکاران آموزش‌دیده اجرا گردید. محرمانه بودن اطلاعات گردآوری‌شده به شرکت‌کنندگان تضمین داده شد.

### ابزارها

**خلاقیت:** در این تحقیق برای سنجش متغیر خلاقیت از پرسشنامه ۶۰ گویه ای خلاقیت عابدی استفاده شده است. این آزمون در واقع چهار عامل تشکیل دهنده خلاقیت یعنی سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری را مورد سنجش قرار می‌دهد. عابدی آزمون خلاقیت را از نظر روایی هم‌زمان بررسی و همبستگی بین دو خرده آزمون ابتکار ( $r = 0/497$ ) و بین دو خرده آزمون سیالی ( $r = 0/468$ ) را به دست آورد. هنجاریابی با استفاده از آزمون خلاقیت عابدی روی تعداد ۸۱۹ نفر دانش‌آموز که از این تعداد ۴۱۰ نفر پسر و ۴۰۹ نفر دختر بودند، اجرا شد. نتایج تحقیقات عابدی حاکی است در روش آزمون - بازآزمون که بر روی ۵۸ دانش‌آموز با فاصله ۱۵ روز اجرا گردیده ضرایب همبستگی خرده آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری در اجرای اول و دوم به ترتیب  $0/23$ ،  $0/444$ ،  $0/614$  و  $0/595$  به دست آمده است که جز مقوله سیالی، ضرایب همبستگی بقیه‌ی مقولات در حد  $0/01$  معنی دار است و در روش ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی برای ۸۱۹ دانش‌آموز در خرده آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری، به ترتیب  $0/67$ ،  $0/48$ ،  $0/68$  و  $0/55$  به دست آمده که در حد  $0/01$  معنی دار است. در روش همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون نیز نتایج در سطح  $0/01$  معنی دار بوده است. همچنین برای بررسی روایی هم‌زمان این مقیاس از آزمون خلاقیت تورنس استفاده شد که همبستگی آنها بین  $0/497$  تا  $0/104$  بود (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).

اجرایی در سطح بالاتری قرار دارند، ایده‌های ابتکاری و تازه ای را تولید می‌نمایند، در حالی که تعامل معناداری بین حافظه کاری و مرحله نهفتگی<sup>۱</sup> حل خلاق مسئله فراهم نگردید (ارناردوتیر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

با نگاهی به مطالب فوق می‌توان دریافت که رابطه خلاقیت با عملکردهای اجرایی مدنظر این مطالعه چندان روشن نشده و نتایج متناقضی به چشم می‌خورد. لذا این پژوهش با هدف روشن تر ساختن و چگونگی شکل این روابط انجام گرفت. در حقیقت موضوع ارتباط بین هوش و خلاقیت به طور کلی (جاوک، بندیکت، دانست و نیوباور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳) و رابطه‌ی بین عملکردهای اجرایی و خلاقیت به طور خاص هنوز جای بحث دارد (پن و یو، ۲۰۱۶). در مجموع محققان فرضیه‌های ذیل را مورد ارزیابی قرار دادند.

۱. بررسی رابطه خلاقیت و مؤلفه‌های آن با استدلال،
۲. بررسی رابطه خلاقیت و مؤلفه‌های آن با حافظه کاری (مستقیم و معکوس)،
۳. بررسی رابطه خلاقیت و مؤلفه‌های آن با سازمان‌دهی/ برنامه‌ریزی (تصویر اول و دوم)،
۴. پیش‌بینی خلاقیت بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز (استدلال، حافظه کاری و سازمان‌دهی).

### روش

برای بررسی رابطه بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی مغز، تعداد ۳۱۸ نفر [۱۶۲ پسر (۹۵ پایه اول و ۶۷ پایه سوم) و ۱۵۶ دختر (۷۵ پایه اول و ۸۱ پایه سوم)] در رده‌ی سنی ۱۳ تا ۱۵ سال، از بین حدود ۵۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس دولتی مقطع راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول)، در چهار مدرسه (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) به شیوه‌ی خوشه‌ای تصادفی انتخاب

<sup>1</sup> incubation

<sup>2</sup> Arnardóttir

<sup>3</sup> Jauk, Benedek, Dunst & Neubauer

نیز توسط شهیم (۱۳۷۳) در دانشگاه شیراز برای کودکان ۶ تا ۱۲ ساله انطباق و هنجاریابی شده است. ضریب اعتبار این خرده آزمون در کودکان آمریکایی ۷/۵ و ۱۰/۵ ساله به ترتیب ۰/۶۰ و ۱۰/۵ اعلام شده است (جان، ابراهیمی قوام و علیزاده، ۱۳۹۱). این خرده آزمون که آزمون ذخیره کلامی محسوب می شود دارای دو قسمت یعنی ارقام به ترتیب مستقیم (۷ سؤال دو قسمتی) و آزمون ارقام به ترتیب معکوس (۷ سؤال دو قسمتی) هست. این رشته اعداد، از رشته سه عددی شروع شده و تا رشته نه عددی ادامه می یابد. نمره آزمودنی برابر تعداد اعدادی است که فرد حداقل در یکی از فهرست ها به درستی تکرار کند. اگر آزمودنی نتوانست سه رشته را به طور متوالی درست تکرار کند، آزمایش ابتدا در بخش مستقیم و سپس در بخش معکوس، متوقف می شود (نجاتی، ۱۳۸۹). در این پژوهش نمرات این دو فرایند به طور مجزا و نیز به صورت مجموع هر دو آزمایش مورد تحلیل قرار گرفت. در ایران ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس ها از دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۸۵ و برای شاخص ها از ۰/۷۵ تا ۰/۸۶ قرار داشت. همچنین ضرایب پایایی به دست آمده در روش دو نیمه کردن برای خرده مقیاس ها نیز از ۰/۶۲ تا ۰/۸۴ و برای شاخص ها از ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ متغیر بود (ساعد، روشن و مرادی، ۱۳۸۷). طبق نظر ساعد، روشن و مرادی (۱۳۸۷) مطالعات زیاد پایایی و اعتبار بالای این مقیاس را تأیید کرده اند. گراث-مارنات<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) نیز ضمن هنجاریابی زیر مقیاس ارقام معکوس، آلفای ۰/۶۵ را برای آن و ضریب اعتبار ۰/۸۳ را با روش باز آزمایی گزارش نموده است.

**آزمون آندره ری: جهت سنجش برنامه ریزی / سازمان دهی از آزمون آندره ری برای افراد بالای ۷**

**عملکردهای اجرایی:** در این تحقیق از خرده مقیاس تشابهات و کسلر<sup>۱</sup> برای بررسی کارکرد اجرایی استدلال<sup>۲</sup>، از خرده مقیاس حافظه رقمی مستقیم و معکوس<sup>۳</sup> جهت سنجش کارکرد حافظه کاری<sup>۴</sup> و از آزمون آندره ری<sup>۵</sup> جهت بررسی توانایی های سازماندهی و برنامه ریزی<sup>۶</sup>، به صورت فردی استفاده شد؛ که در ادامه توضیحی مختصر و همچنین روایی و پایایی آن ها بیان می گردد.

**آزمون خرده مقیاس تشابهات:** جهت بررسی توانایی استدلال عینی، انتزاعی و تفکر منطقی دانش آموزان از خرده مقیاس تشابهات که توسط شهیم (۱۳۷۳) در دانشگاه شیراز برای کودکان ۶ تا ۱۲ ساله انطباق و هنجاریابی شده است، استفاده شد. ضرایب اعتبار این خرده آزمون در کودکان آمریکایی ۷/۵ و ۱۰/۵ ساله به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۸۱ اعلام شده است (جان، ابراهیمی قوام و علیزاده، ۱۳۹۱). این آزمون شامل ۱۷ سؤال است که از آزمون شونندگان می خواهد شباهت بین دو چیز را بیان کنند که از اشیاء و مثال های عینی (شباهت بین توپ و پرتقال) شروع شده و به مثال های انتزاعی (شباهت بین آزادی و عدالت) ختم می شود. برای سؤالات ۱ تا ۴ نمره صفر یا یک تعلق می گیرد و برای سؤالات ۵ تا ۱۷ نمره صفر، یک یا دو به نسبت درستی یا نزدیکی شباهت بیان شده، داده می شود. نمره گذاری آن برحسب موفقیت فرد انجام می گیرد.

**آزمون حافظه رقمی و کسلر:** برای ارزیابی حافظه کاری، دقت و توالی شنیداری، حافظه کوتاه مدت شنیداری، توجه و تمرکز و توالی حافظه از خرده آزمون حافظه رقمی و کسلر استفاده گردید. این آزمون

<sup>1</sup> Wechsler's similarities subtest

<sup>2</sup> Reasoning

<sup>3</sup> Digit Memory Test (forward and backward digit span)

<sup>4</sup> Working Memory

<sup>5</sup> Andre Rey

<sup>6</sup> organizational and planning abilities

<sup>7</sup> Groth-Marnat



گردید. این آزمون توسط پناهی (۱۳۸۳) بر روی ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تهران هنجاریابی و روایی ملاکی ۰/۵. پایایی ۰/۶۲ به دست آمد. همچنین ناظری (۱۳۸۳) نیز آن را بر روی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی تهران هنجاریابی نموده است.

### یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. ابتدا داده‌های پرت با روش‌های خاص آماری تعیین و حذف گردیدند، نرمال بودن متغیرها یعنی کجی و کشیدگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت که بیشتر متغیرها - پس از حذف داده‌های پرت - در دامنه قابل قبول (+۱ و -۱) قرار داشتند. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرها در جدول (۲) نشان داده شده‌اند.

سال استفاده شد. کارت A متشکل از ۱۸ جزء ادراکی است که در جلوی فرد گذاشته می‌شود تا عین تصویر را بکشد. پس از یک وقفه از وی خواسته می‌شود تا دوباره آن را از حفظ بکشد. به هر جزء تصویر بر حسب درستی از ۲ تا ۰ نمره تعلق می‌گیرد. این آزمون توسط میرهاشمی (۱۳۷۱)، به نقل از جان، ابراهیمی قوام و عزیزاده، (۱۳۹۱) در تهران هنجاریابی گردید، جهت تعیین میزان روایی ملاکی آزمون از خرده‌آزمون حافظه عددی و کسلسر استفاده شد و ضریب ۰/۲۵ (p=۰/۰۰۱) به دست آمد و برای محاسبه‌ی ضریب پایایی از روش بازآزمایی استفاده گردید و ضریب پایایی ۰/۶۲ به دست آمد (جان، ابراهیمی قوام و عزیزاده، ۱۳۹۱). اگر چه در اجرای این آزمون می‌توان نحوه‌ی ترسیم شکل و مراحل و مدت زمان آن را نیز ارزیابی و نمره‌گذاری کرد، اما در اینجا تنها مجموع نمرات کشیدن تصویر در مرحله اول (از روی کارت A) و مرحله دوم (پس از چند دقیقه وقفه) در مقایسه با تصویر اصلی و جمع نمرات هر دو مرحله بررسی

جدول (۲) میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی بین خلاقیت و عملکردهای اجرایی مغز

متغیرها	میانگین (انحراف استاندارد)	همبستگی با خلاقیت
خلاقیت	۱۳۵/۰۶ (۱۲/۰۴)	-
استدلال	۱۲/۳۸ (۴/۴۳)	۰/۱۴۹*
حافظه کاری	۱۰/۲۹ (۳/۱۲)	۰/۰۷۳
سازمان‌دهی	۶۱/۶ (۹/۲۱)	۰/۰۵۳
مجموع کارکردهای اجرایی	۸۴/۱۸ (۱۲/۵۸)	۰/۱۱۴

\*p<05

رابطه‌ی بین مؤلفه‌های خلاقیت با عملکردهای اجرایی و زیر مؤلفه‌های آن‌ها نیز در جدول ۳ ارائه شده است.

در این بررسی تنها استدلال با خلاقیت کل رابطه‌ی معناداری (r=۰/۱۴۹) در سطح ۰/۰۵ دارد. نتایج بررسی

جدول (۳) ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری) و مؤلفه‌های استدلال، حافظه کاری (مستقیم و غیر مستقیم) و سازمان‌دهی (تصویر اول، تصویر دوم)

متغیرها	مؤلفه‌های خلاقیت

سیالی	بسط	ابتکار	انعطاف پذیری	
۰/۰۳۶	۰/۱۰۴	۰/۰۸۵	۰/۱۹۸**	استدلال
۰/۰۳۳	۰/۰۴۱	-۰/۰۶۳	۰/۰۵۴	حافظه مستقیم
۰/۰۶۸	۰/۱۰۸	۰/۰۸۹	۰/۱۵۶**	حافظه معکوس
۰/۰۲۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	۰/۰۸۱	تصویر بار اول
۰/۰۸۶	۰/۰۶۶	۰/۰۴۹	۰/۰۴۱	تصویر بار دوم
*p< 05, **p< 001				

عملکردهای اجرایی مغز

کاری هی حافظه‌ی سازمان‌دهی

مثبت هستند. برای به دست آوردن فرمول پیش بینی خلاقیت بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز رگرسیون گام به گام پس از تأیید پیش فرض های آن اجرا شد؛ که نتیجه آن در جدول ۴ آمده است.

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد بین مؤلفه انعطاف‌پذیری خلاقیت با استدلال ( $r=0/198$ ) و حافظه‌ی کاری معکوس ( $r=0/156$ ) رابطه‌ی معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. در مورد سایر مؤلفه‌ها نیز به جز رابطه بین حافظه مستقیم و ابتکار، سایر رابطه‌ها

جدول (۴) تحلیل رگرسیون گام به گام خلاقیت بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز (استدلال، حافظه کاری و سازمان‌دهی)

متغیرها	$\beta$	t	SE	P
استدلال	۰/۱۵۵	۲/۴۰	۰/۱۸۰	۰/۰۱۷
حافظه مستقیم	-۰/۱۴۰	-۱/۷۲	۰/۵۱۸	۰/۰۸۸
حافظه معکوس	۰/۲۰۷	۲/۵۱	۰/۵۶۸	۰/۰۱۳
سازماندهی تصویر ۱	۰/۰۸۶	۱/۳۲	۱/۵۳۷	۰/۱۸۸
سازماندهی تصویر ۲	-۰/۱۹	-۰/۲۸۸	۱/۰۹۳	۰/۷۷۴

کامل رگرسیون با مجموع سه متغیر عملکردهای اجرایی، تنها استدلال سهم معناداری ( $p=0/016$ ) در پیش بینی خلاقیت داشت (جدول ۵).

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد پس از اجرای رگرسیون بر مبنای مؤلفه های مختلف عملکردهای اجرایی مغز، حافظه‌ی کاری معکوس نیز سهم معناداری دارد ( $p=0/013$ )؛ اما پس از اجرای

جدول (۵) رگرسیون گام به گام، معناداری استدلال در پیش بینی خلاقیت

گام	متغیرها	$\beta$	t	SE	$R^2$	F	P
۱	استدلال	۰/۱۵۶	۲/۴۳	۰/۱۷۹	۲/۴۰	۵/۹۱	۰/۰۱۶

فرمول پیش‌بینی خلاقیت =  $۱۲۹/۶۸ + ۰/۴۳۲$  (استدلال) +  $۰/۰۵$  (مجموع حافظه کاری) +  $۰/۰۱۴$  (مجموع سازمان‌دهی)

در پیش‌بینی خلاقیت بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز، ضریب بتای مجموع مؤلفه‌های دیگر یعنی حافظه‌ی کاری و سازمان‌دهی نیز برای نشان دادن سهم آن‌ها به فرمول پیش‌بینی اضافه‌شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین میزان رابطه‌ی خلاقیت و مؤلفه‌های آن با عملکردهای اجرایی مغز (استدلال، حافظه کاری و سازمان‌دهی/ برنامه‌ریزی) در دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه اول بر اساس نتایج بعضاً متناقض قبلی بود. تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد که استدلال با خلاقیت و مؤلفه‌های آن، به ویژه زیر مؤلفه‌ی انعطاف‌پذیری رابطه‌ی معناداری داشت. اگرچه مطالعات محدودی رابطه‌ی خلاقیت را با عملگردهای اجرایی بررسی نموده‌اند، اما در مورد رابطه‌ی خاص استدلال با خلاقیت پژوهش یا یافته‌ای همسو یا ناهمسو به دست نیامد. در تبیین این رابطه می‌توان گفت با توجه به این که استدلال و خلاقیت هر دو توانمندی‌های عالی ذهن محسوب می‌شوند، بین آن‌ها به ارتباط مثبتی برقرار است. در واقع این نتیجه نشان داد که خلاقیت، به ویژه در حیطه استدلال و بررسی تشابهات بین دو چیز با اصول آزمون‌های خلاقیت که ارتباط غیرمعمول بین چیزهای ناهمگون را بررسی می‌کنند در ارتباط است. همچنین انعطاف‌پذیری بخش اصلی اغلب نظریه‌های مربوط به عملکردهای اجرایی مغز به حساب می‌آید که در خلاقیت نیز به چشم می‌خورد. سرانجام این که خلاقیت که در اصل نوعی

حل مسئله شمار می‌رود از استدلال استقرایی<sup>۱</sup> نیرو می‌گیرد (وارتانیان، مارتیندل و وایتکاووسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). فرضیه دیگر این تحقیق بررسی رابطه خلاقیت کل با حافظه‌ی کاری بود که نتیجه‌ی معناداری به دست نیامد. این یافته با نتیجه لی و تریوت (۲۰۱۳)، به نقل از بندیک و همکاران (۲۰۱۴) همسو بود. بررسی‌های بیشتر نشان داد که مؤلفه انعطاف‌پذیری مربوط به خلاقیت با حافظه‌ی کاری معکوس ارتباط مثبت معناداری دارد. این نتیجه با یافته‌های دیدرو و همکاران (۲۰۱۲)، به نقل از بندیک و همکاران (۲۰۱۴)، ابراور و همکاران (۲۰۰۸)، به نقل از بندیک و همکاران (۲۰۱۴) و سوتارد (۲۰۱۴) همسو بود. به نظر می‌رسد این امر بر مبنای فرایند پردازشی ناهمسان‌بازی ارقام مستقیم و معکوس باشد (رینولدز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷)، به نقل از ولف<sup>۴</sup>، (۲۰۰۴). حافظه معکوس مستلزم چیزی بیش از یادآوری صرف ارقام بوده و نیازمند یک دگرگونی و تغییر ذهنی قبل از پاسخگویی است. حافظه کاری در واقع هسته‌ی عملکردهای شناختی محسوب می‌گردد که بسیاری از عملکردهای عالی شناختی [و نیز خلاقیت] را هدایت می‌نماید (نجاتی، ۱۳۸۹). نظریه کنترل توجه در شناخت خلاق<sup>۵</sup> (شرما و بابو، ۲۰۱۷) بیان می‌دارد که تولید ایده‌ها در نتیجه کنترل نزولی پردازش هاست که نه تنها مانع پاسخ‌های غالب و مداخله‌ی محرک‌های نامربوط خارجی می‌گردد، بلکه به ارزیابی و تعریف مجدد ایده‌های اولیه نیز یاری می‌رساند. همچنین باید در نظر داشت اگر چه تفکر علی مستلزم تفکر همگرا می‌باشد، در گام اول نیازمند تفکر واگرا یا خلاق است. چرا که برای تعیین دلیل کافی، فرد باید دلایل متعدد اولیه را در نظر داشته باشد (سانومیا و

<sup>1</sup> inductive reasoning

<sup>2</sup> Vartanian, Martindale & Kwiatkowski

<sup>3</sup> Reynolds

<sup>4</sup> Wolfe

<sup>5</sup> controlled attention theory of creative cognition

به گونه ای در استدلال نیز به چشم می خورد. بیتی و سیلوا<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) نیز بر این باورند که فرایندهای اجرایی به افراد امکان استفاده از راهبرد، تغییر مقوله، مدیریت تداخل، تشخیص الگو و جستجوی مستقیم و فرایندهای بازیابی را می دهد؛ بنابراین افرادی که مهارت های عملکرد اجرایی بیشتری - البته نه در همه حوزه ها- داشته باشند می توانند خلاقیت بیشتری را بروز دهند. در واقع تولید ایده های خلاق نیازمند دو عامل ضروری است: تخیل که وابسته به تجربه است و پالایش که مربوط به انتخاب بهترین راه حل ها است (داچ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). در این صورت عملکردهای اجرایی که مستلزم ارزیابی و انتخاب درست هستند با خلاقیت در هم می آمیزند. همچنین بر اساس نظریه آستانه<sup>۷</sup> (جاوک و همکاران، ۲۰۱۳) توانایی خلاق و هوش با هم در ارتباط اند، اما این رابطه در سطوح مختلف الزامات خطی نیست. همچنین زمانی که خلاقیت مستلزم کنترل عمدی توجه باشد، حافظه کاری و در نتیجه کورتکس پیش پیشانی در فرایند خلاق دست دارند (رانکو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷). در مجموع دیتریچ (۲۰۰۴) معتقد است که خلاقیت نیازمند توانایی های شناختی چون حافظه کاری، تمرکز مداوم، انعطاف شناختی و اولویت در قضاوت است که نوعاً فعالیت های کورتکس پیش پیشانی محسوب می شوند.

در این پژوهش با توجه به گستردگی مفهوم، پیچیدگی و چند بعدی بودن مؤلفه های مربوط به عملکردهای اجرایی مغز (گیلفورد، ۱۹۶۸، به نقل از دیلون، ۲۰۰۹؛ مک کلاوسکی، پرکینز و ون دیونر، ۲۰۰۹) که موجب ناتوانی در سنجش و ارزیابی دقیق آنها می شود، تنها سه مورد از مؤلفه های کارکردهای اجرایی مورد

یاماگوچی<sup>۱</sup>، (۲۰۱۶). آنزورث و انجل<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز معتقدند که حافظه ی کاری از طرفی اطلاعات را در خود نگه داشته و از طرف دیگر بین اطلاعات مرتبط و نامرتب تمایز قایل می شود. در نتیجه ی هر دوی این راهکارها برای عملکرد خلاق ضروری هستند.

در فرضیه دیگر ارتباط معناداری بین خلاقیت و مؤلفه های آن با سازمان دهی یا برنامه ریزی به دست نیامد. محققان نتوانستند پژوهشی را که به بررسی رابطه سازمان دهی به عنوان بخشی از عملکردهای اجرایی و خلاقیت پرداخته باشد، دست پیدا کنند. با توجه به این که سازمان دهی یافتن الگوهای مشخص و برنامه ریزی برای انجام و طراحی یک الگوی از پیش تعیین شده و نیز یادآوری شکل و ترسیم آن در این تحقیق بود و خلاقیت مستلزم عبور از ساختار معمول و ایجاد طرحی نو می باشد، بنابراین ممکن است یافتن چنین نتیجه ای دور از انتظار نباشد. مینتزبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۴)، به نقل از سورنسون<sup>۴</sup>، (۲۰۰۶) برنامه ریزی را ساده کردن، شکستن و خرد کردن عمدی تکالیف و فعالیت ها می داند که می تواند با ماهیت پیچیده و کلی گرای خلاقیت متفاوت باشد.

در مورد فرضیه ی اصلی این تحقیق یعنی پیش بینی خلاقیت بر مبنای عملکردهای اجرایی مغز، می توان گفت که در بین سازه های مربوط به عملکردهای اجرایی فقط استدلال توانست نقش معنی داری در پیش بینی خلاقیت داشته باشد. محققان نتوانستند مطالعه ای را جهت مقایسه ی نتایج پیدا کنند؛ اما همان طور که گفته شد خلاقیت از یک طرف مستلزم رهایی و عدم ساختار ذهن در برخورد با مسائل و از طرفی نیازمند تجارب قبلی و دانش و آگاهی نظام مند است. این ساختارمندی

<sup>5</sup> Beaty and Silvia

<sup>6</sup> Duch

<sup>7</sup> threshold theory

<sup>8</sup> Runco

<sup>1</sup> Sannomiya & Yamaguchi

<sup>2</sup> Unsworth & Engle

<sup>3</sup> Mintzberg

<sup>4</sup> Sorenson

بررسی متغیرهای اثرگذار، استفاده از سایر شیوه‌های تحلیل آماری و ابزارهای متناسب تصویر بهتری از روابط این مفاهیم ارائه نماید.

### تشکر و قدردانی

از مدیریت آموزش و پرورش شهرستان سقز، مدیران مدارس و کلیه دانش‌آموزانی که در این مطالعه شرکت کرده و محققین را یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### References

- Alizadeh, H. (1385). The Relationship between Neuro-Cognitive Executive Functions and Malgrowth, *Advances in Cognitive Science*, 8 (4): 70-75 [In Persian].
- Amardóttir, E. (2016). The Roles of Working Memory, Figural Fluency, and Incubation in Creative Problem Solving. [retrived 8 March. 2017].
- Bahar, A. & Ozurk, M. A. (2018). An Exploratory Study on the Relationship between Creativity and Processing Speed for Gifted Children, *International Education Studies*; 11 (3):77-91
- Beaty, R. & Silvia, P. (2013). Metaphorically speaking: cognitive abilities and the production of figurative language. *Memory and Cognition*, 41, 255-267.
- Benedek, M., Franz, F., Heene, M. & Neubauer, A. C. (2012). Differential effects of cognitive inhibition and intelligence on creativity, *Personality and Individual Differences*, 53, 480-485
- Benedek, M., Jauk, E., Sommer, M., Arendasy, M. & Neubauer, A. C. (2014). Intelligence, creativity, and cognitive control: The common and differential involvement of executive functions in intelligence and creativity, *Intelligence* 46, 73-83
- Blake, T. (2011). Relation of Executive Functioning and Affect to Psychosocial Outcome After Traumatic Brain Injury, A Dissertation Submitted to the Faculty of Graduate Studies through the Department of Psychology in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy at the University of Windsor
- Camarda, A., Borst, G., Agogué, M., Habib, M., Weil, B., Houdé, O., & Cassotti, M. (2017). Do we need inhibitory control to be creative? Evidence

بررسی قرار گرفتند. بر این اساس نمی‌توان ارتباط یا عدم ارتباط آن‌ها را به‌طور مشخص تبیین نمود. ممکن است برخی از این روابط - رابطه‌ی منفی یا نداشتن رابطه- به عوامل دیگری مربوط باشد. مثلاً بندیک و همکاران (۲۰۱۲) یادآور شده‌اند که این تناقضات می‌تواند به دلیل ویژگی‌های افراد در داشتن سیالی اندیشه و افزایش تکانش‌گری باشد. ابزارهای ارزیابی نیز می‌تواند دلیل این تناقضات باشد. لفتیس<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) معتقد است که ابزارهای به کار رفته برای ارزیابی بزرگسالان ممکن است به دلیل کاهش میزان پیچیدگی آن در مقایسه با کودکان، اعتبار کافی نداشته باشد. آزمون سازمان‌دهی آندره‌ری برای کودکان ۵ تا ۱۵ ساله و تشخیص اختلالات یادگیری و بالینی (وبر، ریکیو و کوهن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) طراحی شده است، با توجه به محدودیت سنی دانش‌آموزان این پژوهش، این آزمون تا حدودی ساده بود و نمی‌تواند به خوبی پراکنش منطقی را در دامنه نمرات نشان بدهد. دلیل دیگر آن سنجش بلافاصله دو آزمون و عدم اختصاص وقت کافی جهت انحراف فکری آزمون شوندگان از آزمون اول، در بین اجرای دو آزمون (تصویر اول و دوم) بود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش استفاده از معلمان به عنوان همکار محقق و نیز طولانی بودن مدت زمان اجرای فردی آزمون و روند گردآوری داده‌ها به دلیل گستردگی آن و در نتیجه رشد آزمودنی‌های و نیز تغییر خلق و خو و ویژگی‌های متفاوت آنهاست که می‌تواند بر نتایج تاثیر داشته باشد. عدم تعمیم‌پذیری نتایج تحقیقات رابطه‌ای و شیوه‌ی نمونه‌گیری و افت آزمودنی‌ها نیز باید به موارد فوق اضافه شود.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با انتخاب بهتر آزمودنی‌ها در سنین مختلف، کنترل بهتر متغیرهای مداخله‌گر،

<sup>1</sup> Loftis

<sup>2</sup> Weber, Riccio & Cohen

- from a dual-task paradigm. *Psychology of Aesthetics, Creativity and the Arts*.
- Daemi, H. R. & Moghimi, F. (1383) Standardization of creativity test, *Advances in Cognitive Science*, 3 & 4 (6): 1-8 [In Persian].
- Darini, M., Pazhouhesh, H. & Moshiri, F. (2011). Relationship between Employee's Innovation (Creativity) and time management, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 25: 201 – 213, doi:10.1016/j.sbspro.2011.10.541
- Diamond, A. (2013). Executive Functions, *Annu Rev Psychol.* 64: 135–168. doi: 10.1146/annurev-psych-113011-143750
- Dietrich, A. (2004). The cognitive neuroscience of creativity, *Psychonomic Bulletin & Review*, 11 (6): 1011-1026
- Dillon, J. A. (2009). Play, Creativity, Emotion Regulation and Executive Functioning, Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts, Department of Psychology Case Western Reserve University
- Duch, W. (2007). Creativity and the brain. In Ai-Girl Tan (Ed.), *A hand book of creativity for teachers* (pp. 507-530). Singapore: World Scientific Publishing.
- Furley, P. & Memmert, D. (2015). Creativity and working memory capacity in sports: working memory capacity is not a limiting factor in creative decision making amongst skilled performers. *Frontiers in Psychology*, 6: 1-7, doi: 10.3389/fpsyg.2015.00115
- Gilhooly, K. J., Fioratou, E., Anthony, S. H., & Wynn, V. (2007). Divergent thinking: Strategies and executive involvement in generating novel uses for familiar objects. *British Journal of Psychology*, 98, 611–625. doi:10.1348/096317907X173421
- Groth-Mamat G. (2003). *Handbook of psychological assessment*. 4th Ed. John Wiley & Sons
- Grugle, N. L. (2005). Understanding The Effects of Sleep Deprivation on Executive Function, Complex Task Performance and Situation Awareness, Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy In Industrial and Systems Engineering
- IBM's Global CEO's Study. (2010). Creativity Selected as Most Crucial Factor for Future Success. Retrieved Oct. 5, 2015, from
- Janeh, M., Ibrahimi Ghawam, S. & Alizadeh, H. (1391). Exploring Reasoning, Planing-Organizing and working memory of Tehran elementary students with/without math disabilities, *Journal of Psychology of Exceptional*, 5(2):21-42 [In Persian].
- Jauk, E., Benedek, M., Dunst, B., & Neubauer, A. C. (2013). The relationship between intelligence and creativity: New support for the threshold hypothesis by means of empirical breakpoint detection, *Intelligence* 41: 212–221, doi:10.1016/j.intell.2013.03.003
- Jensen, E. (2012). *Teaching with the brain in mind*, Translated by Laili Mohammad Hassan & Sepideh Razavi, 3rd printing, Tehran: School Press [In Persian].
- Latzman, R. D. (2009). Interrelations among youth temperament, executive functions, and externalizing behaviors, Dissertation University of Iowa
- Loftis, C. W. (2004). An Ecological Validity Study Of Executive Function Measures In Children With And Without Attention Deficit Hyperactivity Disorder, A Dissertation Presented To The Graduate School Of The University Of Florida In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Doctor Of Philosophy University Of Florida
- Mashayekh, P. J., & Barzidah, O. (1389). Exploring the effects of teacher's leadership behaviour on elementary students of Kazeroon, *Journal of Modern Thoughts in Education*, 6(1): 131-144 [In Persian].
- McCloskey, G., Perkins, L. A. & Van Divner, B. (2009). *Assessment and Intervention for Executive Function Difficulties*, New York, New York, Routledge
- Meltzer, L. (2010). *Promoting Executive Function in the Classroom*, The Guilford Press, A Division of Guilford Publications, Inc. 72 Spring Street, New York, NY 10012
- Nazeri, M. (1383). Standardization of Andry Ray's Complex Figure Task (RCFT) on Tehran female guidance students, M.A Thesis of Psychology and Educational Science Faculty, Islamic Azad University, Roodhen Branch
- Nejati, V. (1389). Cognitive-executive functions of brain frontal lobe in aged adults, *Journal of Behavioral Sciences*, 4 (1): 59-64 [In Persian].

- Nejati, V. (1392). Correlation of Risky Decision Making with Executive Function of Brain in Adolescents. *J Res Behave Sci*; 11(4): 270-278 [In Persian].
- Pan, X. & Yu, H. (2016). Different Effects of Cognitive Shifting and Intelligence on Creativity, *The Journal of Creative Behavior*, 0 (0): 1-18. DOI: 10.1002/jocb.144
- Panahi, A. (1383). Standardization of Andry Ray's Complex Figure Task (RCFT) on Tehran male guidance students, M.A Thesis of Psychology and Educational Science Faculty, Islamic Azad University, Roodhen Branch
- Purdy, M. H. (2011). Executive Functions: Theory, Assessment, and Treatment, In M. L. Kimbarow (Ed.), *Cognitive Communication Disorders*, Plural Publishing, 2nd edition
- Ross, E. H. (2012). Are Offence-Focused Correctional Rehabilitation Programs Affecting Inmates' Executive Cognitive Functions? A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy the School of Graduate and Postdoctoral Studies The University of Western Ontario, London, Ontario, Canada
- Runco, M. A. (2007). *Creativity; Theories and Themes: Research, Development, and Practice*, Elsevier Academic Press
- Saed, O., Rowshan, R. Moradi, A. (1387). Exploring psychometric charactrisic of Wechsler Memory Scale III (WMS-III) among university students, *Daneshvar (Raftar) Shahed University* (15) 31:57-71, [In Persian].
- Sannomiya, M., & Yamaguchi, Y. (2016). Creativity training in causal inference using the idea post-exposure paradigm: Effects on idea generation in junior high school students. *Thinking Skills and Creativity*
- Shaabani, H. (1389). *Advaned Instructional Methods (Teaching Skills and Thinking Strategies)*, 4<sup>th</sup> printing, Tehran: SAMT Press [In Persian].
- Shahim, S. (1373). *Wechsler's Rivised Scale for Children\ Adaptation and Standardization*, Shiraz: Shiraz University Press
- Shama, S. & Babu, N. (2017). Interplay between Creativity, Executive Function and Working Memory in Middle-Aged and Older Adults, *Creativity Research Journal*, 29(1), 71-77, DOI: 10.1080/10400419.2017.1263512
- Sorenson, L. (2006). *Creativity and strategy development*. Center for Information and Communications Technology, Informatics and Mathematical Modelling, Technical University of Denmark, 2-5. Available online at: [http://www2.imm.dtu.dk/pubdb/views/edoc\\_download.php/4954/pdf/imm4954.pdf](http://www2.imm.dtu.dk/pubdb/views/edoc_download.php/4954/pdf/imm4954.pdf)
- Southard, E. M. (2014). *Examining the Relationships Among Working Memory, Creativity, and Intelligence*, A thesis submitted to the Department of Psychology in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in General Psychology UNF Thees and Dissertations. 548.
- Starko, A. J. (2010). *Creativity in the Classroom Schools of Curious Delight*, 4th Ed. Routledge, 270 Madison Ave, New York, NY 10016
- Torabi, F. & Saif, D. (1391). The role of Thinking Style in predicting dinentions of creativity among talented and high-achiver university students, *Journal of Behavioral Sciences*, 6(4): 369-376 [In Persian].
- Unsworth, N., & Engle, R. W. (2007). The nature of individual differences in working memory capacity: Active maintenance in primary memory and controlled search from secondary memory. *Psychological Review*, 114, 104-132. doi:10.1037/0033-295X.114.1.104
- Vartanian, O., Martindale, C. & Kwiatkowski, J. (2003). Creativity and inductive reasoning: The relationship between divergent thinking and performance on Wason's 2-4-6 task, *The Quarterly Journal of Experimental Psychology, Section A*, 56(4): 641-655, DOI: 10.1080/02724980244000567
- Weber, C., Riccio, C. A. & Cohen, M. J. (2013) Does Rey Complex Figure Copy Performance Measure Executive Function in Children? *Applied Neuropsychology: Child*, 2(1): 6-12,
- Wolfe, M. E. (2004). *Executive Function Processes: Inhibition, Working Memory, Planning and Attention in Children and Youth with Attention Deficit Hyperactivity Disorder*, Submitted to the Office of Graduate Studies of Texas A & M University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.